

اساسنامه حزب توده ایران

مصوب سومین کنگره حزب توده ایران

ماده ۱ - حزب

حزب توده ایران سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران است. حزب توده ایران به عنوان یک سازمان سیاسی انسانگرا، میهن دوست و مدافع آزادی، دموکراسی، صلح و عدالت اجتماعی، اتحاد داوطلبانه همه نیروهای خلقی؛ کارگران، دهقانان، پیشه وران، کارمندان، روشنفکران و همه کسانی است که برنامه و اساسنامه حزب را بپذیرند و در راه تحقق آن گام بردارند.

جهان بینی حزب توده ایران مارکسیسم - لنینیسم است و هدفهای دور و نزدیک و مشی سیاسی و سازمانی آن از انطباق خلاق این جهان بینی علمی و انقلابی بر شرایط ویژه جامعه ایران ناشی می شود. در این راستا، حزب از همه تفکرات اجتماعی - تئوریک مترقی معاصر و نیز از تاریخ اندیشه های انسانگرایانه ایران بهره گیری خلاق خواهد کرد.

حزب توده ایران بر ضد سکتاریسم، دگماتیسم، اپورتونیسم و فرمالیسم در جنبش کارگری مبارزه می کند.

حزب توده ایران در راه ایجاد جامعه ای دموکراتیک که در آن همبستگی و برادری و تعاون و عدالت اجتماعی میان انسان ها برقرار باشد، مبارزه می کند. هدف نهایی حزب توده ایران استقرار سوسیالیسم در ایران، یعنی برقراری مالکیت اجتماعی بر ابزار تولید و پایان بخشیدن به استثمار انسان از انسان است.

حزب توده ایران اعضای خود را با روح میهن دوستی و انترناسیونالیسم به معنای همبستگی با همه توده های زحمتکش و محروم در سراسر جهان، با روح دفاع از منافع کلیه نیروهای ضد امپریالیستی در ایران و خارج از مرزهای آن پرورش می دهد. این خصلت انسانی به موازات خط مشی اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و سازمانی حزب، مندرج در برنامه و اساسنامه آن مهمترین عامل وحدت و انسجام حزب بشمار می رود.

ادامه در صفحات ۳، ۴ و ۵

نامه
مردم
از گان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۷۵، دوره هشتم،
سال هفتم، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۱

شکست سنگین رژیم در "انتخابات" و ادعاهای رفسنجانی

دور نخست چهارمین انتخابات مجلس شورای اسلامی با شکست مفتضحانه هیئت حاکمه جمهوری اسلامی پایان یافت. دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی و سران رژیم پدنیال این شکست، رسوا شدن تقلب های انتخاباتی و زد و خوردهای شدید در شهرهای مختلف، از جمله بروجرد، شیراز، اصفهان، خرم آباد و برخی شهرهای دیگر کشور، سخت در تلاش وارونه جلوه دادن حقایق و جلوگیری از گسترش اعتراضات به سرتاسر کشور هستند.

هاشمی رفسنجانی در سخنرانی نماز جمعه که خود مدعی شد "... این خطبه، جزو مهمترین خطبه های من در تاریخ خطبه ها می باشد"، اعلام کرد که چهارمین انتخابات مجلس شورای اسلامی پیروزی بزرگی برای جمهوری اسلامی بوده است. وی ادعا کرد: "باید عرض کنم که واقعا علیرغم آنهمه شیطنتی که از داخل و خارج داشتیم، انتخابات بسیار بسیار خوب برگزار شد و اگرچه ما مطلبی از این سو و آنسو خواهیم شنید که انتخابات را زیر سوال ببرند، اما ما که از مجموع انتخابات مطلع هستیم... انصافا جزو انتخابات بسیار موفق جمهوری اسلامی

ادامه در ص ۲

سر نوشت تراژیک یک ملت

با استغفای نجیب الله از ریاست جمهوری افغانستان و ورود نیروهای مجاهدین افغانی به کابل و سایر شهرهای افغانستان، حکومت چهارده ساله حزب دموکراتیک خلق افغانستان (حزب وطن) در این کشور پایان یافت.

پایان حکومت افغانستان بدون آنکه مذاکرات صلح سازمان ملل متحد بتواند حکومت موقت این کشور را با توافق همه نیروها تعیین کند، به معنی آغاز دور تازه ای از جنگ، کشت و کشتار، بی ثباتی، بدبختی و درگیری برای مردم افغانستان است.

ادامه در ص ۸

در دیگر صفحات:

ایگور لیگائف

در یک مصاحبه مطبوعاتی

ص ۷

در اتحاد شوروی (سابق) چه می گذرد:

آنارشوی بازار، مردم روسیه را

ناامید کرده است

ص ۸

زنده باد آزادی و صلح ، طرد باد رژیم "ولایت فقیه" !

شکست سنگین رژیم در ...

بوده است...

برای افشا نمودن این ادعای بی پایه و اساس آقای رفسنجانی تنها کافی است به برخی آمار، اسناد و نوشته های روزنامه های مجاز رجوع کنیم.

بر اساس گزارش "ستاد انتخابات کشور" تعداد رای دهندگان تهران در چهارمین دوره انتخابات مجلس ۱۴۳، ۱،۸۸۰ نفر اعلام گردیده است. این تعداد در مقایسه با دومین دوره انتخابات جمهوری اسلامی که ۲،۳۰۸،۶۷۰ نفر در انتخابات تهران شرکت کردند، نشان می دهد که تعداد رای دهندگان به مقدار نیم میلیون نفر کاهش یافته است و این در حالی است که جمعیت کشور و تهران در هشت سال گذشته افزایش چشمگیری داشته است و تعداد کسانی که در تهران واجد شرایط برای شرکت در انتخابات بودند، بالغ بر ۴،۵ میلیون نفر می باشد. سر مقاله کیهان هوانی (۲ اردیبهشت) ضمن اعتراف به کاهش چشمگیر تعداد شرکت کنندگان در انتخابات، می نویسد: "انتخابات مجلس شورای اسلامی را - دست کم در اشل تهران - باید نوعی بی اعتنائی به دو جناح سیاسی مطرح در کشور قلمداد کرد... قرار گرفتن شخصیتی که اصولا هیچ گونه مشق سیاسی ننوشته در مقام نماینده اول از جمله نکات حائز اهمیت در بررسی و تمیز این شاخصه است..." کیهان هوانی ضمن اعلام خطر در باره این پدیده نتیجه گیری می کند: "اما میزان کم توجهی مردم به هر یک از جناح ها - که رابطه تنگاتنگی با مواضع و "تابلوهای" آنان در گذشته و حال دارد - مقوله دیگری است که می تواند موجب بازنگری عملکرد عناصر سالم و آگاه جریان ها باشد."

به عبارت دیگر مردم کشور ما پس از ۱۲ سال حکومت جمهوری اسلامی به تجربه دریافته اند که مجموعه رژیم در تضاد با منافع و خواست های آنان قرار دارد و از این رو می بایستی این مجموعه را نفی کرد.

آقای رفسنجانی نیز به خوبی بر این واقعیت آگاه است و بی جهت تلاش در پرده پوشی حقیقت دارد. اکنون اوضاع کشور با گذشته فرق بسیار کرده است، عمیق تر شدن و گسترش بر خردها در میان جناح های مختلف به این معنی است که آقای رفسنجانی در شرایط فعلی مشکل بتواند مخالفان را با تهدید از میدان بدر کرده و "آرامش" را به مملکت باز گرداند. تهدیدهای علنی وی در نماز جمعه تهران، علیه جناح مقابل، حاکی از مواضع تضعیف شده جناح حاکم و نشانگر احتمال تشدید برخوردهای دو جناح در روزها و ماه های آینده است. آنچه مسلم است آنست که برگزاری انتخابات دوره چهارم و درگیری رو در روی جناح ها در جامعه و رو شدن بسیاری از رسوایی های رژیم، شرایط نوینی را در جامعه ایجاد کرده است. که

مشخصه آن جسارت بیشتر علیه حاکمیت و تشدید مبارزه روزانه مردم با سیاست های ارتجاعی جمهوری اسلامی است. کشانده شدن بخش یزرگی از نتایج انتخابات به مرحله دوم که بر خلاف میل گروه حاکم انجام گرفت، نگرانی های رژیم را از گسترش و تشدید جو ناآرام در کشور افزایش داده است. تهدیدهای ضمنی دادستان انقلاب اسلامی در تهران علیه "برخی نشریات در تهران" نشانگر آماده شدن زمینه برای اقدامات احتمالی جدید سرکوبگرانه علیه نیروهایی است که تا چندی پیش در کلیدی

پادگان لخت بکنند و بزیر پایشان آب بریزند و با شلاق و کابل بزنند که رگهای دستهای آنها از بین برود و خونریزی شدید ایجاد شود..."

بنا به ضرب المثل معروف "از کوزه همان برون تراود که در اوست". برای اطلاع آقای داود توحیدی و کسانی که تازه به ماهیت ددمنشانه و ضد انسانی حکومتی که در طی سالهای گذشته گروه زیادی از دگرانديشان، دانشمندان، نویسندگان، مترجمان، روزنامه نگاران و مبارزین راه آزادی کشور را قتل عام کرده است، بی برده اند باید بگوئیم بایست از

"آیا جواب مردمی که آمده اند و گفته اند که آراء ما به کجا رفته، در يك صندوق ما سه هزار رای داشتیم، چطور شده که هزار رای خوانده شد، با مسلسل است؟ آیا باید با رگبار مسلسل جواب آنها را بدهند؟ چگونه در يك بخشی که مردم فقط حرفشان این است که آقا صندوق ها را باز شماری کنید، نیروهای انتظامی علنا باید با اسلحه روبروی آنها بایستند و تعداد زیادی از آنها را به خاک و خون بکشند... آقایان باید وقیحانه با خانواده های شهدا آنچنان برخورد کنند، آنها را بیاورند داخل پادگان لخت بکنند و بزیر پایشان آب بریزند و با شلاق و کابل بزنند که رگهای دستهای آنها از بین برود و خونریزی شدید ایجاد شود..."

خواب برخاست و چشم ها را بر حقیقت عریان و تلخ جامعه گشود. نامه نگاری و درخواست و التماس از کسانی که خود از مسببین اصلی ماجرا هستند، بی شک سودی نخواهد داشت. تنها راه مبارزه وسیع، گسترده و یکپارچه مردم است که می تواند راه رسیدن به تحول و آزادی در جامعه را بکشاید. دوران جدیدی در کشور ما آغاز می گردد. سران رژیم جمهوری اسلامی بیش از پیش در مواضع تدافعی و ضعیفی قرار می گیرند و فشار از پائین برای تغییر و تحول، گسترش روز افزونی پیدا کرده است.

آقای رفسنجانی و شرکا بی شک قادر نخواهند بود در دراز مدت سد راه خواست مردم برای تحول و آزادی گردند. سرنوشت محتوم حکومت های دیکتاتوری در گوشه و کنار جهان درسی است که بیش از همه باید مورد توجه و تامل هیئت حاکمه فعلی قرار گیرد. با ادعاهای پوچ، با دروغ و تهدید و با مسلسل، سرکوب و شکنجه می توان مدتی حکومت کرد ولی این دوران کوتاه به سر خواهد آمد و سیاستمدارانی که این درس تاریخ را فراموش کرده و در مقابل خواست روز افزون مردم سرسختی نشان می دهند، جزو نخستین کسانی خواهند بود که در شط تاریخ غرق خواهند گردید. مبارزه رو به رشد در کشور ما پیام آور آغاز روندی است که در انتها با پایان رژیم ضد دمکراتیک "ولایت قحیه" به سرانجام خواهد رسید.

* * *

ترین پست های رژیم جمهوری اسلامی خدمت می کرده اند. عقب نشینی موضعی برخی از شخصیت های جناح مقابل در روزهای اخیر نیز ریشه در چنین درکی از روند رویدادها دارد. هاشمی رفسنجانی در همین ارتباط است که به گروه مخالف چنین هشدار می دهد: "از کاندیداها خواهش می کنم ملاحظات اخلاقی، انقلابی، اسلامی، ملی را فراموش نکنند، بعدا پشیمان می شوند..." (کیهان ۲۹ فروردین ۱۳۷۱).

ولی سخنرانی های نمایندگان قلمی و افشاگری های آنان در مجلس، مقالات و مصاحبه ها تلاش های رفسنجانی و شرکا را تاکنون یا شکست روبرو کرده است.

سخنان داود توحیدی، نماینده بروجرد در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی از نمونه های جالب این افشاگری هاست. وی ضمن اشاره به اینکه در جایی که ۱۸۰ هزار نفر جمعیت دارد چطور می تواند ۱۲۰ هزار رای به صندوق ها ریخته شود، اعلام کرد: "آیا جواب مردمی که آمده اند و گفته اند که آراء ما به کجا رفته، در يك صندوق ما سه هزار رای داشتیم، چطور شده که هزار رای خوانده شد، با مسلسل است؟ آیا باید با رگبار مسلسل جواب آنها را بدهند؟ چگونه در يك بخشی که مردم فقط حرفشان این است که آقا صندوق ها را باز شماری کنید، نیروهای انتظامی علنا باید با اسلحه روبروی آنها بایستند و تعداد زیادی از آنها را به خاک و خون بکشند... آقایان باید وقیحانه با خانواده های شهدا آنچنان برخورد کنند، آنها را بیاورند داخل

ب - گزارش مرتب درآمدها و هزینه های حزب باید در اختیار کمیته مرکزی قرار گیرد .
پ - تعیین میزان حق عضویت از اختیارات کمیته مرکزی است .

۱- سازمان جوانان توده ایران

الف - سازمان جوانان توده ایران سازمان جوانان انقلابی، مترقی، دموکراتیک و میهن دوست است که طبق برنامه و مشی حزب توده ایران فعالیت می کند . سازمان جوانان توده ایران یار و یاور فعال و نیروی ذخیره حزب توده ایران است .

ب - ارگان های رهبری سازمان جوانان توده ایران تحت رهبری ارگان های مربوطه حزب توده ایران فعالیت می کنند .

۱-۱ سازمان های توده ای

الف - اعضای حزب در محل سکونت و کار باید در ارتباط تنگاتنگ با سازمان های توده ای - اتحادیه های کارگری، سندیکاها، سازمان های زنان، جمعیت ها و باشگاههای فرهنگی، ورزشی، هنری، شرکت های تعاونی و... باشند و عضویت آنها را بپذیرند .

اعضای حزب در این سازمانها در نبرد برای دستیابی به دموکراسی و نیل به مقاصد که در برابر سازمان های توده ای قرار دارد باید به عنوان نمونه برای دیگران عمل کنند و فعالانه در همه امور شرکت جویند .

* * * *

مقررات کار مخفی

در شرایط کار مخفی و بر اثر ضرورت های آن، باید در اجرای مقررات و موازین مندرج در این اساسنامه و در برخی از عرصه های فعالیت حزبی مانند: شیوه های فعالیت و ساختار تشکیلاتی حزب، پذیرش عضو، حقوق اعضا، شیوه های دادرسی و مجازات حزبی، اختیارات ارگانها و نحوه فراخواندن آنها (از جمله برگزاری پلنوم، کنفرانس یا کنکره)، انتخاب و انتصاب و نحوه فعالیت ارگانها و اعضا، و نیز شکل و شیوه فعالیت سازمان جوانان و غیره، در راستای تحکیم مرکزیت، تقویت انضباط و حفظ سریت حزبی تفسیراتی داده شود .

هیئت اجرایی باید مقررات ویژه دوران کار مخفی را براساس تجربه های گردآمده تنظیم و جهت تصویب به پلنوم کمیته مرکزی ارائه دهد .

ب - کنکره گزارش کمیته مرکزی و کمیسیون نظارت مرکزی را استماع کرده و فعالیت آنها را ارزیابی می کند، برنامه و اساسنامه حزب را تصویب یا در صورت لزوم آنها را مورد تجدید نظر قرار می دهد . کنکره خط مشی حزب را در کلیه شئون فعالیت آن تعیین می کند .
پ - کنکره حزب اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی و نیز اعضای کمیسیون نظارت مرکزی را با رای مخفی انتخاب می کند .
ت - کنکره حزب هر ۴ سال یکبار تشکیل می شود . کنکره فوق العاده از طرف کمیته مرکزی یا دوسوم آرا و یا به پیشنهاد حداقل یک سوم اعضای حزب تشکیل می گردد .

۷- کمیته مرکزی

الف - عالی ترین مقام حزب در فاصله دو کنکره، کمیته مرکزی حزب توده ایران است که فعالیت سیاسی و کار سازمانی حزب را رهبری می کند . کمیته مرکزی در تمام موارد به عنوان نماینده جمعی حزب عمل می کند و در رابطه با فعالیت های خود در برابر کنکره مسئول است . پلنوم کمیته مرکزی باید حداقل دو بار در سال تشکیل گردد .

ب - تعداد اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی را کنکره تعیین می کند . شرط ضروری عضویت در کمیته مرکزی، اعم از اصلی یا مشاور، داشتن حداقل ۵ سال سابقه حزبی و فعالیت مستمر در حزب است .

پ - کمیته مرکزی از بین اعضای خود هیئت اجرایی کمیته مرکزی و صدر و معاون صدر حزب را که صدر و معاون صدر هیئت اجرایی نیز می باشند انتخاب می کند . هیئت اجرایی مسئولین کمیسیون های تشکیلات، ایدئولوژی، مالی و در صورت نیاز دیگر کمیسیون ها را از بین اعضای خود تعیین می کند . مسئولین، اعضای کمیسیون ها را برای تصویب به هیئت اجرایی پیشنهاد خواهند کرد . هیئت اجرایی در فاصله دو پلنوم رهنمودها و مصوبات کمیته مرکزی را بجز اجرا می گذارد . صدر حزب وسایل اجرای تصمیمات ارگان های عالی رهبری (کمیته مرکزی و هیئت اجرایی) و شرایط اجرای صحیح آنها را فراهم می سازد و در مورد فعالیت خود، در برابر کمیته مرکزی و هیئت اجرایی مسئولیت دارد .

ت - صدر حزب بر جریان امور اجرایی به منظور هماهنگ ساختن آنها نظارت عالی داشته و دبیرخانه کمیته مرکزی را اداره می کند . در غیبت صدر، معاون وی همه وظایف صدر را به عهده خواهد داشت .

ث - هرگاه به عللی جای یک یا چند نفر از افراد کمیته مرکزی خالی بماند، کمیته مرکزی می تواند با اکثریت دو سوم آرا، از بین مشاورین عده خود را تکمیل کند . در موارد فوق العاده و یا در صورتی که ضرورت ایجاب کند، کمیته مرکزی می تواند از بین سایر اعضای حزب نیز افرادی را به عضویت کمیته مرکزی برگمارد .

۸- کمیسیون نظارت مرکزی

الف - کمیسیون نظارت مرکزی به منظور کمک و همکاری با کمیته مرکزی، نظارت در اجرای صحیح و بی خدشه تصمیمات آن و نظارت بر امور مالی و نیز رسیدگی به شکایات تشکیل می شود .

ب - کمیسیون نظارت مرکزی از بین اعضای خود یک نفر را به عنوان مسئول کمیسیون تعیین می کند .

پ - عضو کمیسیون نظارت حق ندارد عضو دیگر ارگان های انتخابی حزبی باشد .

۹- امور مالی

الف - درآمد حزب عبارتست از: حق عضویت، عواید حاصله از نشریات و کمک های مادی اعضای حزب و توده های مردم .

در مطبوعات مجاز

بیداد فقر و تنگدستی در سراسر کشور

"طبق گزارشات رسیده بیماری های خطرناک به علت سوء تغذیه حدود یک چهارم دانش آموزان شهرهای مختلف استان ایلام را تهدید می کند. از تعداد کل دانش آموزان این استان که تقریباً صد و پنجاه هزار نفر می باشند، چهل هزار نفر شدیداً در فقر و تنگدستی بسر می برند تا جایی که بسیاری از دانش آموزان روستایی مجبورند به علت عدم استطاعت مالی مسافت طولانی خانه تا مدرسه را با پای پیاده طی کنند. همچنین دانش آموزان زیادی همه روزه در میان زیاله ها در جستجوی اشیایی جهت فروش به منظور امرار معاش می باشند. رنگ پریده و جسم نحیف این کودکان از رنجهای بیشمار آنان حکایت دارد.

همچنین گزارش شده که بیش از ۲۰ هزار خانوار محروم در استان خراسان قادر نیستند امکانات اولیه زندگی خود را فراهم کنند تا جایی که آنان حتی نمی توانند اجناس گوینی خود را تا مین و در نهایت تنگدستی بسر می برند." (سلام - ۷۰/۱۲/۱۹)

آرزو نکنید ارزان شود، آرزو کنید پولدار بشوید!

"کسانی که می آیند تورم را شاهد قرار می

دهند تا به شما بگویند وضع خراب است، اشتباه می کنند، خدا می داند دولت خوب عمل کرده، آقای هاشمی خوب عمل کرده، این دوره بحرانی تورم را باید تحمل کنید. تورم و گرانی مثل این می ماند که آدم پاش بزرگ بشه ... نمی توانید کاری کنید که پاتون کوچک بشه، باید کفش بزرگ بپوشید ... شما آرزو نکنید که ارزان بشه، شما آرزو کنید که غنی و پولدار بشوید و بتوانید از کالاهای دنیا به نرخی که آنها تعیین می کنند استفاده کنید ولی کالاهای خودتان را هم به نرخی که بفرشید." (رجایی خراسانی - "سلام" - ۷۰/۱۲/۲۲)

تا این تپیدنهای دلها ناله نشده و این ناله ها فریاد به داد مردم برسید!

"... مواد غذایی آنها (مردم) گران است، گوشت بسیار گران است نفت هم ندارند، علاوه بر اینها مردم کارهای اداری دارند و رشوه خوری بسیار زیاد است. ... آقایان بیائید یک فکری برای این مردم بکنید و مردم را از این دردسرها نجات دهید.

شما مسئولین همانطور که یکی از نزدیکاتان بپایید با یک تبصره و ماده کارش را آسان می کنید، نسبت به این مردم آستین پاره نیز همانگون عمل کنید.

... ای مسئولین حواستان را جمع کنید که اگر این مردم را از دست دادید خودتان، میزتان، قدرتان، سمتتان و همه چیز شما بخاطر این مردم است. پس رعایت این مردم را بکنید. ... نمی دانم آیا حرقم به گوششان می رسد یا نه؟ و اگر برسد، تا چه حدی عمل می کنند؟ ولی می گویم شما فردا هم در انتخابات با این مردم سروکار دارید. اگر به یک نفر گفتید بیا آقا رای بده و نیامد شما هیچ اجباری نمی توانید بکنید که او بپاید رای بدهد.

... چند ماه خدمت آقای رفسنجانی بودم، گفتم آقا در ادارات متاسفانه رشوه بیداد می کند. ایشان گفت: نه آقا اشتباه می کنید. خبری نیست ولی شما نظیرش را در این اصفهان دیدید و این خود یک نمونه بوده است و اگر اطلاعات نیروهای بیشتری بگذارد، متوجه می شوید که چه تخلفاتی در این اداره جات انجام می شود و وقتی متخلفین را گرفتید تنبیه متخلفین باید بسیار سنگین باشد تا درس عبرتی برای دیگران بشود."

(آیت الله طاهری، امام جمعه اصفهان)

بر کسی پوشیده نیست که دولت جدید افغانستان متشکل از جناح های مختلف مجاهدین اسلامی افغانستان، عمدتاً چیزی جز ائتلاف یک عده افراد مسلح جنگی که تنها تخصص شان کشتن و غارت است، نیست. از این رو پیش بینی اینکه این گروه های مسلح برای تقسیم "غنایم جنگی" بین خود از هیچ کاری رویگردان نخواهند بود، امر چندان دشواری نیست. گزارشات خبرگزاری های جهان از قتل، غارت و برخوردهای خشن گروه های مختلف مجاهدین و بی قانونی حاکم در تمامی مناطقی که در کنترل این نیروها است، صحنه های دردناکی از وحشیگری و سبیت را در مقابل جهانیان به نمایش گذارده است.

تلاش این نیروها در پیدا کردن سیستمی مشابه با جمهوری اسلامی منتهی از نوع عقب مانده تر در افغانستان، و پیام مداخله جویانه خامنه ای پیرامون چگونگی عملکرد دولت نوین افغانستان، پیام آور آغاز دوران سخت تر و دردناکتری برای مردم افغانستان و نیروهای پیشرو این کشور است.

مردم افغانستان که در طی این سال های طولانی در انتظار صلح متحمل دردهای بسیار بوده اند، بدین ترتیب دوران جدیدی از مشکلات، جنگ ها و بی قانونی را آغاز می کنند، بدون اینکه کوچکترین نقشی در انتخاب این سرنوشت تراژیک داشته باشند.

پورش به مساجد و توهین به مقدسات مردم، دولت جوان افغانستان سلاح پر قدرتی به نیروهای واپسگرا - مذهبی در این کشور اعطا کرد.

دوران حکومت امین بی شک صدمات فوق العاده مخرب و زیان باری به اعتبار و حیثیت حزب دمکراتیک خلق و دولت افغانستان در میان مردم افغانستان وارد آورد.

این دوران کوتاه و اثرات منفی آن در درون و بیرون حزب دمکراتیک خلق تا سال ها بعد همچنان باقی ماند. از بین رفتن گروهی از کادریهای برجسته حزبی در زندان امین و تعمیق اختلافات میان دو گروه پرچم و خلق روابط درون حزبی را به شدت آلوده کرد و حزب را از درون تضعیف نمود.

ورود نیروهای شوروی به افغانستان برای پایان دادن به حکومت "هل پتی" حفیظ اله امین که به دعوت بخش عمده ای از حزب حاکم صورت گرفت، بهانه لازم را به آمریکا، انگلستان و سایر کشورهای امپریالیستی برای آغاز یک جنگ تمام عیار و اعلام نشده، علیه دولت مردم افغانستان، داد. میلیاردها دلار، که می توانست برای عمران و آبادانی افغانستان مورد استفاده قرار گیرد، صرف تسلیح گروه های مختلف گردید و هزاران تن انسان جان خود را در این جنگ طولانی از دست دادند.

سرنوشت تراژیک ..

کند.

تحریکات خارجی در طول بیش از ده سال جنگ داخلی، ورود نیروهای شوروی به این کشور و اختلافات و برخوردها در درون حزب دمکراتیک خلق، از جمله عوامل مهمی بودند که در مجموع موقعیت دولت وقت افغانستان را به عنوان یک دولت مستقل ملی تضعیف کرده و بهانه ای بدست نیروهای ارتجاعی داخلی، خارجی و امپریالیسم برای شعله ور کردن آتش جنگ داخلی داد.

عقب ماندگی ساختاری جامعه در عمل مشکلات جدی بر سر راه نوسازی و تلاش دولت در تغییر اوضاع افغانستان ایجاد کرد.

این عقب ماندگی از جمله سبب گردید که برنامه اصلاحات ارضی پیشنهادی دولت برای دگرگون ساختن چهره کشور، به علت مخالفت شدید رهبران مذهبی و تحریکات فئودال ها و گروه های مسلح وابسته به آنها، با شکست روبرو گردد. دولت افغانستان در عمل موفق نگردید که پایگاه وسیع اجتماعی - توده ای برای خود ایجاد کند و تحریکات خارجی را عقیم بگذارد. با روی کار آمدن حفیظ اله امین در افغانستان و پیش گرفتن سیاست خشونت، تندروی و مشی آشکار ضد مذهبی، از قبیل

ماده ۲ - عضویت در حزب

شرایط عضویت در حزب توده ایران عبارتست از:

الف - تابعیت ایران؛

ب - داشتن حداقل ۱۸ سال تمام؛

پ - پذیرش و تبعیت از اساسنامه و مبارزه در راه تحقق برنامه حزب؛

ت - شرکت در یکی از سازمان های حزبی؛

ث - پرداخت حق عضویت.

عضو حزب توده ایران نمی تواند در عین حال عضو حزب دیگری باشد.

ماده ۶ - مجازات حزبی

الف - مجازات تخلف از اساسنامه و عدم اجرای وظایف و یا سوء استفاده از مسئولیت حزبی به تناسب شدت به شرح زیر است: تذکر شفاهی، تذکر کتبی، سلب مسئولیت حزبی، اخراج از حزب.

ب - اخراج از حزب، حداکثر مجازات حزبی است. در موقع صدور و تأیید قرار اخراج باید اسناد و مدارک دقیق و بی خدشه مورد بررسی با احتیاط و همه جانبه قرار گیرند. قرار اخراج با دو سوم آرای شرکت کنندگان در حوزه حزبی اتخاذ می شود.

اگر عضوی طی سه ماه متوالی از شرکت در جلسات حزبی یا پرداخت حق عضویت بدون عذر موجه خودداری کند، از حزب اخراج می شود.

پ - مجازات سلب مسئولیت حزبی با تصویب ارگان بالاتر محلی، و مجازات اخراج از حزب با تصویب کمیته مرکزی و یا ارگانی که کمیته مرکزی به آن اختیار داده است، قابل اجرا خواهد بود.

ت - در مورد اخراج اعضای اصلی و مشاورین کمیته مرکزی، خواه از عضویت کمیته مرکزی و خواه از حزب، باید پلنوم کمیته مرکزی تصمیم بگیرد و برای اخذ تصمیم حداقل دو سوم آرای اعضای اصلی کمیته مرکزی لازم است.

اخراج از کمیته مرکزی در صورت عدم صلاحیت سیاسی، اجتماعی یا اخلاقی و با پیشنهاد هیئت اجرایی می تواند انجام گیرد. هیئت اجرایی حق دارد چنین افرادی را از عضویت در کمیته مرکزی (اصلی و مشاور) معلق سازد و اسناد و مدارک مربوطه را به پلنوم کمیته مرکزی برای تصمیم نهایی ارائه دهد.

ماده ۷ - ساختار دموکراتیک حزب

۱- حزب توده ایران:

الف - از اصل مرکزیت دموکراتیک با تکیه بر دموکراسی و تبعیت بی چون و چرا از شناسایی حاکمیت عضو حزب، تبعیت می کند.

ب - معتقد است که سرنوشت حزب فقط با اراده جمعی اعضای حزب باید تعیین گردد و این اصل تغییر ناپذیر است.

پ - همه اعضای حزب را برابر حقوق می داند. عضویت در ارگان های رهبری بیانگر مسئولیت در قبال اعضای حزب است.

ت - برای آزادی و دموکراسی درون حزبی، تنوع نظر و حق بیان آزاد نظرات و عقاید در حزب ارزش فوق العاده قائل است و این اصول را سنگپایه سازمانی می شمارد.

ث - پایه و بنیاد فعالیت حزب را در کلیه عرصه ها، مصوبات اکثریت در عالی ترین ارگان های حزب می داند. ساختار دموکراتیک حزب به معنای تضمین شکل گیری نظرات و اراده از پائین به بالا، خصلت دموکراتیک این اصل راتشکیل داده و منافع مجموعه حزب را با منافع اعضای آن انطباق می دهد، و بدینسان دو عامل عمده تحکیم حاکمیت عضو حزب و انضباط آگاهانه را که لازم و ملزوم یکدیگرند تامین می

ماده ۳ - پذیرش به حزب

شرایط پذیرش در حزب توده ایران به قرار زیرین است:

الف - پذیرش عضو انفرادی است و از طریق حوزه بعمل می آید. تقاضا کننده عضویت باید از جانب دو عضو حزب دارای حداقل دو سال سابقه حزبی معرفی گردد. آنها باید صلاحیت اخلاقی و سیاسی و اجتماعی وی را برای عضویت در حزب تأیید نمایند؛

ب - پذیرش به حزب پس از پایان دوره آزمایشی، در حوزه با اکثریت دو سوم آرا خواهد بود و باید به تصویب کمیته مرکزی و یا ارگانی که کمیته مرکزی به آن اختیار داده است برسد. دوره آزمایشی نباید از ۶ ماه کمتر باشد؛

پ - سابقه حزبی اعضا از روزی است که حوزه عضویت آنها را در حزب پذیرفته و برای تصویب به ارگان مربوطه اطلاع داده است.

ماده ۴ - وظایف عضو حزب

عضو حزب موظف است:

الف - در جمع آوری کمک مالی برای حزب شرکت فعال جوید؛

ب - برنامه حزب را به درون توده های مردم ببرد، مبلغ مشی سیاسی حزب باشد و با همه توان در راه انسجام درونی حزب بکوشد؛

پ - انضباط آگاهانه حزبی را که برای همه یکسان است اکیداً مراعات کند؛

ت - سطح دانش سیاسی خود را بالا ببرد، با روح همبستگی و انساندوستانه عمل کند، و با صبر و حوصله و مراعات فرهنگ سیاسی با دگراندیشان برخورد کند؛

ث - از هر عملی که می تواند به حیثیت و اعتبار حزب لطمه بزند بپرهیزد، سعی کند تا در زندگی خصوصی و اجتماعی رفتارش نمونه باشد و انتقاد و انتقاد از خود را وظیفه حزبی بداند.

ماده ۵ - حقوق عضو حزب

عضو حزب حق دارد:

الف - مسائل داخلی و خارجی و سازمانی حزب را در جلسات حزبی مورد بحث قرار دهد و در تنظیم سیاست حزب شرکت فعال جوید؛

ب - در مباحثات مطبوعات حزبی شرکت کند، مسائل سازمانی و نظری و پراتیکی حزب را آزادانه مورد بحث قرار داده، از آنها انتقاد کند و پیشنهاد های سازنده به ارگان های حزب تا عالی ترین آنها ارائه دهد و خواهان دریافت پاسخ باشد؛

پ - در سازمان های توده ای اجتماعی شرکت جوید.

ت - در انتخابات ارگان های حزبی شرکت فعال داشته باشد و به

کند.

ج - معتقد است که همه اعضای حزب باید در تدوین و تنظیم اسناد برنامه ای و همه مدارک مهم آن از طریق نظرخواهی شرکت فعال داشته باشند. در موارد ضروری که کمیته مرکزی تشخیص دهد، می توان مسائل مورد اختلاف را به همه پرسی در حزب گذارد.

چ - اصل تبعیت از اکثریت را به معنای عدم توجه به نظرات اقلیت نمی داند. اقلیت در عین اجرای تصمیمات اکثریت، حق دارد نظرات خود را در مطبوعات تئوریک حزب و یا نشریات درون حزبی منتشر سازد و از آنها دفاع کند.

ح - برای کار جمعی با مسئولیت فردی ارجحیت قائل است و هرگونه سیستم فرماندهی و اداری در حزب را نمی کند.

خ - دموکراسی درون حزبی را علاوه بر آزادی امکان اظهار نظر فردی، در شکل اظهار نظر جمعی مرکب از عده ای از رفقای هم فکر در یک ارگان نیز می داند. در اینگونه مواقع اعضای دارای پیشنهاد های واحد می توانند نظرات خود را در شکل کارپایه تنظیم نمایند. این کارپایه ها فقط به منظور ارائه به کنفرانس های محلی، پلنوم های کمیته مرکزی و یا کنگره حزب تهیه می گردند. تمام کارپایه ها باید مورد بحث قرار گیرند.

د - دموکراسی درون حزبی را بدون پذیرش مسئولیت تصور نمی کند و اعتقاد به حق بدون مسئولیت و مسئولیت بدون حق ندارد.

ذ - مخالف ایجاد فراکسیون در درون حزب است و با این امر مبارزه می کند.

ر - خودگردانی را اساس اداره امور کمیته های روستایی، شهر، شهرستان و استان می داند. همه این ارگانها می توانند با توجه به خواسته های ساکنان هر محل تصمیمات ویژه ای برای پیشبرد اهداف حزب اتخاذ کنند. تصمیمات اتخاذ شده نمی توانند مخالف برنامه و اساسنامه حزب باشند.

ز - خواهان مراعات اصل تبعیت کمیته های پائین از کمیته های بالاتر تا کمیته مرکزی است.

ژ - اجرای دموکراسی درون حزبی را در عالی ترین سطح درمورد نیروهای سیاسی خلق های ساکن ایران ضروری می داند. در این زمینه احزاب دموکراتیک و مترقی چپ سیاسی و ملی این خلق ها، اعم از آنکه قبلاً یا حزب توده ایران اتحاد سازمانی کرده باشند و یا در آینده بخواهند به حزب بپیوندند، می توانند، در صورت خواست اکثریت اعضای خود، نام حزب و سازمان را که دارای اهمیت تاریخی ملی است حفظ کنند. همه اینگونه احزاب و سازمان های ملی مختارند کمیته مرکزی، هیئت اجرایی، صدر و معاون صدر و کمیسیون های مربوطه مندرج در اساسنامه حزب توده ایران، برای خود داشته باشند.

برنامه و اساسنامه برای کلیه این سازمانها واحد، و عبارت خواهد بود از برنامه و اساسنامه حزب توده ایران که به عنوان عامل عمده پیوند سازمانی عمل خواهد کرد.

احزاب و سازمانهای مذکور مختارند ارگان مرکزی خود را به زبان مادری انتشار دهند.

س - انتخابی بودن همه ارگان های رهبری حزب با رای مخفی را از جمله اصول رعایت دموکراسی می داند.

ش - گزارش دهی منظم از طرف ارگان های رهبری در برابر سازمان های مربوطه را وظیفه اساسی این ارگان ها می داند.

۲- تقسیمات سازمانی

الف - تقسیمات سازمانی حزب عبارتست از: حوزه، سازمان بخش، سازمان شهر، سازمان شهرستان، سازمان استان. در روستاها کمیته های روستائی عمل خواهند کرد.

در صورت لزوم کمیته مرکزی می تواند تقسیمات سازمانی دیگری را نیز بر این تقسیمات اضافه کند.

ب - حوزه پایه و سازمان اولیه حزب است. حداقل افراد حوزه سه نفر است. حوزه با موافقت کمیته روستایی در روستاها و کمیته شهر در شهرها، تشکیل می گردد و دارای مسئول و مسئول مالی خواهد بود.

پ - حوزه حلقه اساسی ارتباط ارگان های رهبری با اعضای حزب و مجموعه حزب با توده های مردم بشمار می رود. از این نظر حوزه مبلغ مشی سیاسی حزب و عامل بسیج توده ها در مبارزه در راه تحقق آماج های حزب است.

ت - حوزه موظف است با رعایت اصل برتری کیفیت بر کمیت، اعضای جدیدی را به حزب جلب کند، و فعالیت اعضای حزب را در زمینه پخش نشریات حزبی و جمع آوری کمک مالی سازمان دهد.

۳- کنفرانسها

الف - ارگان عالی سازمان های روستا، بخش، شهر، شهرستان و استان، کنفرانس و در فاصله کنفرانس ها کمیته است. کنفرانس از نمایندگان واحد سازمانی مربوطه که طبق معیار مصوب ارگان بالاتر انتخاب می شوند، تشکیل می گردد.

ب - کنفرانس های روستا، بخش، شهر و شهرستان هر سال یکبار و کنفرانس استان هر دو سال یکبار برگزار می شوند. در صورتی که کمیته مافوق یا یک سوم اعضای سازمان لازم بدانند، کنفرانس فوق العاده تشکیل خواهد شد.

پ - اختیارات و وظایف کنفرانس ها عبارتند از: استماع و ارزیابی گزارش کمیته و کمیسیون نظارت، صدور قرارها و قطعنامه های لازم برای عملکرد آینده سازمان مربوطه، انتخاب اعضای کمیته و کمیسیون نظارت، و انتخاب نمایندگان برای کنفرانس سازمان بالاتر.

۴- کمیته ها

الف - کمیته هر سازمان حزبی در فاصله بین دو کنفرانس ارگان عالی آن سازمان است.

ب - کمیته های روستا، بخش، شهر، شهرستان و استان، سازمان های تابع خود را رهبری می کنند و تصمیمات کنفرانس ها و قطعنامه های پلنوم های کمیته مرکزی را بوجه اجرا می گذارند.

پ - پلنوم کمیته های مختلف از بین اعضای کمیته، هیئت اجرایی و مسئول کمیته را انتخاب می کند. هیئت اجرایی از بین اعضای خود مسئولین کمیسیون های مختلف را انتخاب خواهد کرد. این کمیسیون ها تحت نظارت مسئول کمیته انجام وظیفه می کنند.

۵- کمیسیون های نظارت

الف - کمیسیون های نظارت به منظور کمک و همکاری با کمیته انتخاب می شوند. تعداد آنها را کنفرانس تعیین می نماید. وظایف آنها به شرح زیر است: (۱) نظارت در اجرای صحیح تصمیمات کمیته مربوطه و ارگان های بالاتر در محیط فعالیت خود؛ (۲) نظارت در امور مالی کمیته.

ب - کمیسیون نظارت از میان اعضای خود یک نفر را به عنوان مسئول انتخاب خواهد کرد.

۶- کنگره حزب

الف - کنگره عالی ترین مقام رهبری حزب توده ایران است که از نمایندگان منتخب از کنفرانس های استان و احزاب ملی دارای اتحاد سازمانی یا حزب تشکیل می یابد.

ایگور لیگاف در یک مصاحبه مطبوعاتی

روزنامه "کلاستوست" چاپ مسکو، در اواخر ژانویه متن مصاحبه ای با ایگور لیگاف، یکی از رهبران برجسته حزب کمونیست اتحاد شوروی (سابق)، که گاریاچف چند سال پیش او را به علت سرسختی در دفاع از سوسیالیسم کنار گذاشت، را منتشر کرد.
ما بخش هایی از این مصاحبه را برای اطلاع خوانندگان "نامه مردم" برگزیده‌ام.

سؤال: اطمینان دارم. مگر نه این است که این نیروها منافع حیاتی مردم را منعکس می کنند. من با برخی برنامه هایشان آشنا شده ام. می بینم که در درجه اول مسئله عدالت اجتماعی را مطرح می سازند. این عمده ترین چیزاست و نشان می دهد که این سازمانها آینده دارند.
سؤال: سال نو با آزاد گذاشتن وحشتناک قیمت ها آغاز شد. ناراضیاتی در جامعه انباشته می شود. شما وضع روز را چگونه ارزیابی می کنید و چشم انداز آینده را چگونه می بینید؟

جواب: بدبختی و خطر فعلا در آنست که نه فقط وضع دشوار است بلکه پیوسته بدتر هم می شود. مثلا من اظهارات آن سیاستمدارانی را که می گویند پس از نیم سال وضع خوب می شود و پس از یک سال باز هم بهتر، درک نمی کنم. من حتی امکان تثبیت وضع را هم نمی بینم، چه رسد به بهبود که جای خود دارد. آزاد گذاشتن قیمت ها در شرایط وجود انحصار در اقتصاد منجر به کاهش تولید و در نتیجه افزایش باز هم بیشتر قیمت ها می شود.

سؤال: شما فعالیت رهبری کنونی روسیه و وضع کشور را چگونه ارزیابی می کنید؟

جواب: پیش از هر چیز می خواهم بگویم که رهبری روسیه حل مسائل بسیار دشواری را بر عهده خود گرفت. موفقیت او را خواهانم. اما تاکید می کنم که من کارپایه دیگری دارم. این کارپایه در پیوند با تغییر ساختار اجتماعی - اقتصادی نیست و در این زمینه ما در مواضع متضادی هستیم.

و یک چیز دیگر از این هم خوشم نمی آید که بار مشکلات تغییر ساختار اقتصادی بر دوش زحمتکشان گذاشته می شود. من خود این دشواریها را احساس می کنم، زیرا اینک گذران زندگی من مانند میلیونها انسان دیگر است. گرانی با چنان آهنگ بی بند و باری رشد می کند که نه تنها زندگی کردن، بلکه زنده ماندن هم زیر علامت سؤال است.

شما می دانید که ما در گذشته وقتی می خواستیم دست به کاری بزنیم که حتی با زندگی مردم برخورد چندان عمیقی نداشت، باز به نظرات مردم گوش فرا می دادیم. اکنون درباره مسائلی که به سرنوشت مردم مربوط است، مانند راه گذار، بی آن که نظر مردم را جویا شوند تصمیم می گیرند. سیاستمداران عجولانه اتخاذ تصمیم می کنند، بی آنکه در فکر عواقب آن باشند.

در دوران صلح کشور ما هیچگاه چنین زینانهایی را متحمل نشده است. با وجود تدوین تعداد هنگفتی قانون و فرمان، وضع نه تنها بهتر نمی شود، بلکه بدتر هم می گردد. اینک مهمترین کار این است که به مسائل روز بپردازیم، سازمان دهیم، تولید را تشویق کنیم و به نتایج ملموس برسیم تا مردم نه از روی گفتار، بلکه از روی کردار داوری کنند. نخستین کاری که باید کرد این است که کشور به مسیر توسعه سوسیالیستی راستین باز گردد، دموکراسی گسترده برقرار شود و زندگی مردم بهبود یابد.

سؤال: رفیق لیگاف، در پایان سال گذشته یلتسین اعلام کرد که کار کمونیسم دیگر ساخته شده است. همزمان با آن، رهبران جمهوریها حساب اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را نیز بستند. راه ۷۴ ساله سوسیالیستی، با تغییر ساختار اجتماعی - سیاسی کشور ما بسته شد. شما این رویدادها را چگونه ارزیابی می کنید؟

جواب: می توان گفت که روند تغییرات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جامعه شوروی جریان دارد. اما به نظر من خصلت سوسیالیستی آن تا به حال حفظ شده است. می دانیم که زیربنای اقتصادی جامعه ما، مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید می باشد که همچنان باقی مانده است. البته این امر لزوم اصلاح آن را در چارچوب شکل اجتماعی مالکیت نفی نمی کند.

روبنای جامعه ما مالکیت خلق و شورای نمایندگان خلق است. اینک تلاشهایی می شود که فعالیت شوراها قطع گردد. اما آنها به مثابه ارگانهای حاکمیت هنوز پا برجا هستند. پس مبانی سیاسی ساختار کنونی که خصلت سوسیالیستی دارد، همچنان باقی است. این نکته دارای اهمیت اساسی است.

من برآتم که اظهارات مبنی بر پایان یافتن سوسیالیسم، قبل از موقع است. این اظهارات را کسانی می کنند، که یا خیلی مایلند اینطور باشد و یا اشتباه می کنند. حرف آخر را در این میان کارگران، دهقانان و روشنفکران خواهند زد.

نیروهای با جهت گیری سوسیالیستی و کمونیستی و نیروهای واقعا میهن پرستی که با آنان احساس همدردی دارند باید بدانند که هنوز امکان بازگشت به سوسیالیسم در کشور ما وجود دارد. البته این بدان معنا نیست که همه چیز مانند گذشته باقی بماند. نه، به هیچ وجه. به اصلاحات و دگرگونیها نیاز هست. اما محتوی باید سوسیالیستی باقی بماند.

سؤال: در آغاز دگرگونسازی، همانطور که گاریاچف نیز گفت، همه دگرگونیها در چارچوب سوسیالیسم طراحی می شد. او حتی پس از بازگشت به مقام خود در ماه اوت وفاداریش را به گزینش سوسیالیستی یادآور شد، اما پس از چند ساعت حرف خود را پس گرفت. شما این دگردیسی را چگونه توضیح می دهید؟

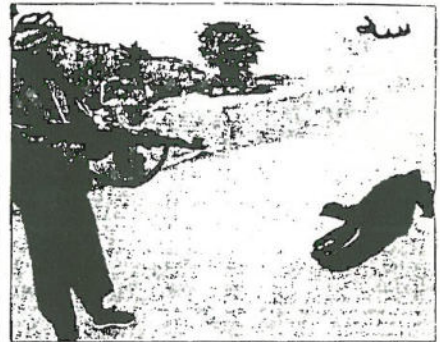
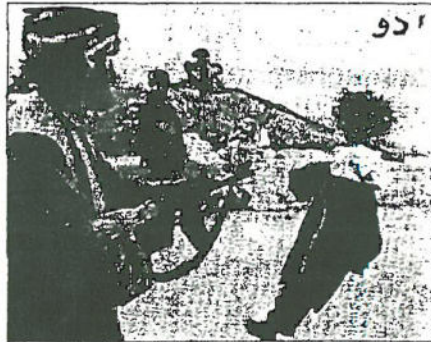
جواب: شکست مشی سیاسی در راستای نوسازی سوسیالیسم را به دو صورت می توان توضیح داد: یا به عنوان اشتباهات بی در پی و یا مشی آگاهانه. اما باید اضافه کنم که گاریاچف به اصلاح طلبی رنگ دیگری داد. یعنی از دگرگونسازی جامعه در چارچوب سوسیالیستی و نشان دادن امکانات دموکراتیک عظیم سوسیالیسم، به رادیکالیسم راست، که هدفش تغییر یک ساختار با ساختار دیگر بود، چرخید. فکر می کنم که پس از ماه اوت گاریاچف دیگر هیچ نقشی ایفا نمی کرد. با او بازی می کردند، او را به هر جا می خواستند می کشیدند، او در دست نیروهای ضد سوسیالیستی اسیر بود.

سؤال: پس از ممنوع کردن فعالیت حزب کمونیست اتحاد شوروی، چند حزب کمونیست، سوسیالیست با جهت گیری چپ تاسیس شدند. نزدیکترین آنها به دیدگاههای شما کدام است؟ در مورد چشم انداز آینده شان چه نظراتی دارید؟

جواب: نخست باید بگویم که من طرفدار حزب کمونیست اتحاد شوروی هستم. من براین باورم که ممنوعیت فعالیت حزب لفو خواهد شد، زیرا تصمیمی است ضد قانون اساسی و بر نقض خشن قوانین اجتماعی تکیه دارد. در جای دوم خوشحالم که سازمانهایی با جهت گیری کمونیستی و سوسیالیستی بوجود آمده اند. من هنوز هوادار آنم که این نیروها در یک جنبش واحد متحد شوند و در صورت امکان در یک حزب واحد گرد آیند. در همه مناطق کشور چنین خواستی وجود دارد. اتحاد نیروها باید از پایین، در میان زحمتکشان، محل زندگی، روستاها و شهرها آغاز گردد. در عین حال دست زدن به اقدامات مشترک هم ضرورت دارد. در آن صورت این روند تسریع خواهد شد.

سؤال: شما فکر می کنید که در جامعه نیاز عینی به اتحاد این نیروها وجود دارد؟

سرنوشت تراژیک یک ملت



دمکراتیک خلق افغانستان که حکومت در یک کشور عقب مانده، فئودالی - قبیله ای، را بدست گرفت، علیرغم تلاش های فراوان نتوانست تحولات لازم برای تغییر ساختاری جامعه را ایجاد

بیشتر در دولت آتی افغانستان بوده است. بررسی علل شکست دولت افغانستان و چگونگی عملکرد آن در طول چهارده سال حکومت، تجربه جالب و در عین حال غم انگیزی برای همه نیروهای مترقی در منطقه است. حزب

به عقیده ناظران سیاسی، عدم موفقیت نماینده سازمان ملل در پدید آوردن یک موافقت همگانی بین نیروهای مختلف درگیر، به دلیل دخالت های وسیع دولت های پاکستان، ایران و عربستان سعودی برای دست یابی به نفوذ

ادامه در ص ۶

در اتحاد شوروی (سابق) چه می گذرد؟

آناژشی بازار،

مردم روسیه را ناامید کرده است

"مجتمع مسکو"، حتی صنایه سبک هم از اثرات فاجعه بار اقتصاد بازار در امان نمانده اند. یک پیراهن مردانه که قبلا ۱۵ روپل بود حالا بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ روپل خرج بر می دارد زیرا جمهوری های سابق آسیای مرکزی کتان را از ۴ متری به ۱۲۰ متری روپل و حتی ۱۸۰ متری روپل افزایش داده اند. او معتقد است که استقلال به آناژشی اقتصادی منجر شده است.

این اوضاع منقوش مشخصه تمام جمهوری های سابق و عامل عمده کاهش فاجعه بار سطح تولید در سراسر کشور است. تنها در فدراسیون روسیه، این کاهش تولید در سال ۱۹۹۱ معادل ۲۵ درصد و در سه ماه اول سال ۱۹۹۲ معادل ۱۵ درصد بوده است.

کمباین دارد. ولی اکنون قیمت ها به طور سرسام آوری بالا رفته اند. قبلا قیمت یک تراکتور ۲۰۰۰ روپل بود، ولی حالا ۳۱/۲۰۰ روپل شده است! دیگر چه کسی می تواند تراکتور بخرد؟ امروز مزارع تعاونی و دولتی هم نمی توانند تراکتور بخرند، چه رسد به مزارع خصوصی. و وقتی آنها نتوانند بخرند، طبیعتا ما هم فروشی نخواهیم داشت."

"ا. لیت"، کارشناس اقتصادی ارشد "کارخانه ابزار سازی مسکو" می گوید: "قیمت بعضی از ابزار و قطعات یدکی ۴۰ تا ۵۰ برابر افزایش یافته! ما فکر می کردیم بازار یعنی آزادی، ولی حالا متوجه می شویم که بازار یعنی هرج و مرج! قیمت ناهار که قبلا در کارخانه ها یک روپل بود اکنون به ۳۵ روپل رسیده. در نتیجه بسیاری از کارگران از خوردن ناهار در کارخانه صرفنظر کرده اند که این خود منجر به بیماری، افزایش غیبت و کاهش تولید شده است.

طبق گفته "ی. کرمیتسکی"، معاون

مشکلات عظیم ناشی از تحول اجباری به سوی سرمایه داری با وضوح تمام در میزگردی که در روز ۲۰ فوریه گذشته با شرکت مدیران بنگاههای بزرگ اقتصادی در مسکو تشکیل شد هویدا شد.

در این جلسه، "و. د. کالتر"، مدیر مجتمع بزرگ اتومبیل سازی "لیخاف" فاجعه ناشی از فروپاشی ساختار اقتصاد سوسیالیستی را چنین توصیف کرد:

"مجتمع ما برای اولین بار در تاریخ ۷۵ ساله خود مقروض شده است. ما به طور سنتی با صنایع فولاد اوکراین مربوط بوده ایم. ولی اکنون آنها شاهرگ ما را قطع کرده اند و ما را با هرج و مرج عجیبی مواجه کرده اند. به عنوان مثال، آنها اکنون در قبال تحویل فولاد از ما ۶۰ هزار تن ذغال سنگ طلب می کنند. ما مجبور شدیم ۱۵۰۰ اتومبیل بدهیم تا ذغال سنگ مورد درخواست آنها را تامین کنیم. این بازار نیست، معامله هرکی به هرکی است."

قیمت مواد غذایی ۱۲ برابر و حتی بیشتر افزایش یافته است. به گفته "کالتر": "مردم را فریب داده اند و مردم دیگر اعتماد خود را به اقتصاد بازار از دست داده اند." "ن. بایچک"، مدیر عامل "موسسه دیزل"، نتایج فاجعه بار به هم خوردن تعادل بین بخش صنعتی و کشاورزی را با تلخی برشمرد و گفت: "بخش کشاورزی نیاز مبرم به تراکتور و

کمک مالی رسیده

از نروژ..... ۱۰۰۰ کرون

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 375

MAY 12, 1992

نامه مردم

بها : ۲۰ ریال

ADDRESSE: Postfach 100644 1000 Berlin 10